

خانه ملیجک، خانه‌ای از یاد رفته در دل تهران

## خاطرات خانه متروک

فرزانه باقری

خبرنگار

تهران کم ندارد خانه‌هایی را که گرد تاریخ به خود گرفته‌اند و بر سینه این شهر آرام به خواب رفته‌اند. خانه‌هایی که شاید یک روز فرصت چشم روی هم گذاشتن را هم نداشته‌اند از بس کیا بیایی داشته‌اند. خانه‌هایی که روزی عزت صاحبانشان کلاه‌ها را از سر برمی‌داشته اکنون بی‌صاحب افتاده‌اند و جای دستمال‌های هر روز و هر ساعت خدم و حشم، این خانه‌ها را تارهای عنکبوت گرفته است.

به دامن او می‌شدند که بین آنها و شاه میانجیگری کند، حالا مورد بی‌مهری قرار گرفته بود. با انقراض سلسله قاجاریه ملیجک تمام اعتبار خود را از دست داد تا آنجا که در گمنامی تمام در یکی از شب‌های زمستان ۱۳۱۹ در ۶۳ سالگی درگذشت، سرنوشتی که به نظر می‌رسد دامن ملک شخصی او را نیز گرفته و دیر یا زود در این گمنامی فرومی‌ریزد.

### ساختمانی در بهارستان



خانه ملیجک در منطقه بهارستان قرار دارد، بهارستانی که با بافت تاریخی‌اش پر است از خانه‌هایی که بعضی‌شان اقبال بازسازی و نوسازی را یافته‌اند و خیلی‌هایشان هم همچنان به امان خدا رها شده‌اند. متأسفانه خانه ملیجک از جمله همین خانه‌هاست. این خانه که متعلق به «غلام‌علی عزیرالسلطان» است در روزگار خودش در همسایگی عمارت مسعودیه یعنی کاخ فرزند ارشد ناصرالدین شاه ساخته شد تا همگان بدانند این دو دردانه‌های شاه به حساب می‌آیند و فرقی بین غلام و شاهزاده نیست. اما روزگار به این متفاوت نبودن باوری نداشت و بخت عمارت «مسعود میرزا» را بلندتر از خانه ملیجک قرار داد. این شد که این عمارت بازسازی شد و نونوار شد و خانه ملیجک به فراموشی سپرده شد.

### خانه متروک

خانه ملیجک اکنون در کوچه بن‌بست بانک‌تجارت واقع در خیابان سعدی جنوبی، گرفتار آمده که شیخون‌های گاه و بی‌گاه به آن تمام دار و ندارش را به تاراج برده است. این دزدی‌های بی‌وقفه نتیجه‌اش قفل‌های کتابی آویزان شده بر سر اتاق‌های آینه‌کاری شده این خانه است که دست دوستداران تاریخ را نیز کوتاه کرده است. اگر چه پیشتر همجواری

معروف است که ناصرالدین شاه به دو چیز علاقه عجیبی داشته، اولی «بیری خان» گربه مورد علاقه او و دومی ملیجک. ملیجک به واسطه عماش امینه‌اقدس که او نیز رگ خواب شاه را به خوبی می‌دانسته و بچه‌اش نمی‌شد، به دربار راه یافته و با آن که صورت زشت و شمایل ناخوشایندی داشته، دردانه عمه به حساب می‌آمده. این دردانگی که به همخانگی محرمانه‌ای با عمه منجر شد، شروع زندگی تازه‌ای برای او بود. چرا که اولین مواجهه او با ناصرالدین‌شاه موجبات خوشبختی وی را فراهم ساخت. این رویارویی که در عالم کودکی ملیجک به حقیقت پیوست، باعث شد شاه از سقوط چلچراغ که در برخی روایت‌های دیگر سقوط سقف یاد شده است، جان سالم به‌در ببرد و این شد که ملیجک در همان کودکی آن چنان مهرش به دل شاه می‌نشیند که در ۱۶ سالگی به ازدواج دختر شاه یعنی اخترالدوله در می‌آید، گرچه این ازدواج پس از مرگ ناصرالدین شاه دوا می‌نمی‌یابد و منجر به جدایی می‌شود، جدایی‌ای که طالبش همسر او بوده، اما پس از این طلاق ملیجک مجدداً با این طایفه وصلت کرده و این بار نوه ناصرالدین شاه را به همسری برمی‌گزیند.

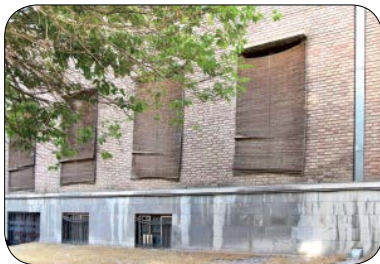
### دوران سقوط ملیجک



با مرگ ناصرالدین‌شاه، ملیجک کم‌کم از دربار فاصله می‌گیرد و با آن که روزگاری دیگران برای پیدا کردن مقام یا برطرف شدن حاجتی دست



با بانک ملت منجر به تبدیل شدن این خانه به باشگاه بانک ملت شد که چند صبحی همین امر آن را به تفرجگاه کارمندان و بعضاً محل برقراری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی این بانک تبدیل کرد، اما این تغییر کاربری حیات طولانی نیافت و همه فعالیت‌های آن رو به تعطیلی گذاشته شد. این حیات موقت، بازسازی‌های نصفه و نیمه‌ای را به دنبال داشته است که نمای بیرونی این خانه را به دوره‌ای حداکثر نزدیک پهلوی دوم بازمی‌گرداند، حال آن که واقعیت ماجرا خیلی بیشتر از این حرف‌هاست.



### خطر ریزش

این خانه در حال حاضر در زیر آواری از خاک و در یک منطقه شلوغ تجاری خفته است که روبه‌روی آن ساختمانی تازه متولد شده که این نورسیده نیز



دل خوشی از این خانه با کرکره‌های حصیری آویزان شده از سر در پنجره‌هایش و متراژ باورنکردنی آن که سراسرش را علف‌های هرز در بر گرفته‌اند، ندارد. چرا که اسم خانه تاریخی ملیجک در فهرست آثار ملی از قامت او کاسته و همین امر از عایدی‌های مادی این برج می‌کاهد. حال آن که با قامت گرفتن او، هر روز خاک بیشتری روی دیوارهای این خانه می‌نشیند و گرد پیری و از کار افتادگی او را بیشتر و بیشتر می‌کند.

